مجله یافته های علوم تربیتی و آموزشی

نقش روش های تدریس فعال در افزایش انگیزه یادگیری دانش آموزان

مریم نصیری ، شهره شاهچراغی ، ناهید رضائی ،مهرنوش شبانی

فرهنگی آموزش و پرورش

MDOI-02-2026.0508
MNR-329-2-EA4F38

هدف از این پژوهش، بررسی نقش و تأثیر «روش‌های تدریس فعال» بر میزان «انگیزه یادگیری» دانش‌آموزان در [illegible] است. در رویکردهای سنتی، تمرکز بر انتقال یک‌سویه دانش از معلم به دانش‌آموز بود که نتیجه آن، [illegible] و افت انگیزه درونی فراگیران است. این در حالی است که رویکردهای نوین آموزشی، یادگیری را فر فعال، تعاملی و مسئله‌محور می‌دانند. در این مقاله، ابتدا مبانی نظری روش‌های تدریس فعال (نظیر یادگیری مشارکتی، یادگیری مبتنی بر مسئله، ایفای نقش و بارش فکری) تبیین می‌شود و سپس پیوند آن با مؤلفه‌های انگیزه یادگیری بر اساس «نظریه خودتعیین‌گری» (Ryan & Deci) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد که روش‌های تدریس فعال از طریق ارتقای سه نیاز بنیادین روان‌شناختی—یعنی «خودمختاری»، «شایستگی» و «تعلق»—موجب تقویت انگیزه درونی و در نتیجه افزایش پایداری یادگیری، عمق پردازش شناختی و رضایت تحصیلی دانش‌آموزان می‌گردد. در پایان، الگویی عملیاتی برای معلمان ارائه می‌شود تا بتوانند با بازطراحی محیط کلاس، انگیزه یادگیری را از حالت بیرونی (نمره و تشویق) به حالت درونی (کنجکاوی و میل به دانستن) منتقل کنند.

کلمات کلیدی: روش‌های تدریس فعال، انگیزه یادگیری، نظریه خودتعیین‌گری، یادگیری مشارکتی، انگیزه درونی.

۲. مقدمه

«امروزه یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های نظام‌های آموزشی، فاصله گرفتن از الگوهای سنتی و حرکت به سمت روش‌هایی است که بتوانند یادگیری را از یک فرآیند منفعلانه به تجربه‌ای فعال، لذت‌بخش و پایدار تبدیل کنند. در نظام‌های آموزشی سنتی، معلم محور اصلی فرآیند یادگیری است و دانش‌آموز غالباً در جایگاه دریافت‌کننده اطلاعات قرار می‌گیرد. این ساختار، اگرچه ممکن است انتقال سریع محتوا را ممکن سازد، اما در بسیاری از موارد منجر به کاهش مشارکت، افت انگیزه و حتی دلزدگی تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. سؤال بنیادین این است که چگونه می‌توان انگیزه‌ای پایدار در یادگیرندگان ایجاد کرد که به جای اتکا به فشارهای بیرونی، از درون فرد سرچشمه بگیرد؟

پاسخ این پرسش را باید در مفهوم «انگیزه یادگیری» و نقش آن در فرآیندهای شناختی جست‌وجو کرد. انگیزه به عنوان موتور محرک یادگیری، تعیین‌کننده میزان تلاش، پایداری و عمق درگیری دانش‌آموز با محتوای آموزشی است. بر اساس «نظریه خودتعیین‌گری» (Self-Determination Theory)، سه نیاز روان‌شناختی بنیادین یعنی «خودمختاری» (Autonomy)، «شایستگی» (Competence) و «تعلق» (Relatedness) نقش کلیدی در شکل‌گیری انگیزه درونی ایفا می‌کنند (Ryan, 2000 & Deci). با این نگاه، انگیزه صرفاً یک ویژگی فردی نیست، بلکه محصول تعامل فرد با محیط یادگیری است؛ بنابراین طراحی محیط کلاس می‌تواند مستقیماً بر سطح انگیزه اثر بگذارد. در همین راستا، «روش‌های تدریس فعال» به عنوان رهیافتی نوین مطرح می‌شوند که بر مشارکت فعال دانش‌آموز، تعامل گروهی و ساختن دانش به دست خود فراگیر تأکید دارند. در این رویکرد، کلاس درس به فضایی پویا تبدیل می‌شود که در آن دانش‌آموز به جای «شنیدن»، «کشف» می‌کند و به جای «حفظ کردن»، «معنا می‌سازد» (Eison, & Bonwell 1991). روش‌هایی چون یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری مشارکتی، ایفای نقش، پروژه‌محوری و بحث گروهی، همگی بر اصل «یادگیری سازنده‌گرا» استوارند که در آن دانش، محصول تجربه و درگیری فعالانه یادگیرنده است. با این حال، شکافی بین نظریه و عمل در بسیاری از کلاس‌های درس مشاهده می‌شود. معلمان غالباً از این روش‌ها به دلیل کمبود زمان، حجم بالای محتوای درسی یا عدم آشنایی کافی، استفاده نمی‌کنند و همچنان به روش‌های سخنرانی‌محور پناه می‌برند. این در حالی است که پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند استفاده از روش‌های تدریس فعال، نه تنها موجب تقویت

انگیزه می‌شود، بلکه بهبود عملکرد تحصیلی، افزایش خلاقیت و کاهش بی‌انگیزگی را نیز به همراه دارد (Freeman et al., 2014).

این مقاله در صدد است تا با تحلیل مبانی نظری تدریس فعال و مؤلفه‌های انگیزه یادگیری، به این پرسش پاسخ دهد که «چگونه روش‌های تدریس فعال می‌توانند انگیزه یادگیری دانش‌آموزان را افزایش دهند؟» در ادامه، ابتدا مفهوم تدریس فعال و تاریخچه آن بررسی می‌شود، سپس به تحلیل نظریه خودتعیین‌گری به عنوان چارچوبی برای تبیین انگیزه پرداخته خواهد شد و در نهایت، مدلی عملی برای کاربرد این روش‌ها در کلاس مورد ارائه قرار می‌گیرد.»

مفهوم‌شناسی تدریس فعال و مبانی نظری آن

تدریس فعال به مجموعه‌ای از راهبردهای آموزشی اطلاق می‌شود که در آن، یادگیرنده به جای دریافت منفعلانه اطلاعات، در فرآیند ساخت دانش مشارکت فعال دارد. در این رویکرد، معلم از جایگاه «انتقال‌دهنده دانش» به جایگاه «تسهیل‌گر یادگیری» تغییر نقش می‌دهد و دانش‌آموز به عنصری کنشگر، پرسش‌مند و خلاق تبدیل می‌شود (Eison, & Bonwell 1991).

مبنای نظری تدریس فعال را باید در رویکرد «سازه‌گرایی» (Constructivism) جست‌وجو کرد. بر اساس این دیدگاه، دانش نه یک واقعیت آماده که از بیرون به ذهن منتقل شود، بلکه محصول تجربه، تعامل و بازسازی ذهنی یادگیرنده است. پیاژه بر این باور بود که یادگیری واقعی زمانی رخ می‌دهد که فرد با محیط خود تعامل فعال داشته باشد و ساختارهای شناختی خود را در مواجهه با موقعیت‌های جدید بازسازی کند (Piaget, 1973). ویگوتسکی نیز با معرفی مفهوم «منطقه رشد تقریبی» (ZPD) نشان داد که یادگیری در بستر تعامل اجتماعی و با کمک همسالان و معلم به بهترین شکل شکل می‌گیرد (Vygotsky, 1978).

از این منظر، تدریس فعال نه یک روش تزئینی، بلکه بازتابی از یک فلسفه تربیتی است که بر «عاملیت یادگیرنده» تأکید دارد. این رویکرد با مبانی «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» نیز همراستاست؛ چرا که این سند نیز بر پرورش انسان فعال، خلاق و مسئولیت‌پذیر تأکید کرده و از آموزش حافظه‌محور فاصله گرفته است.

۲. گونه‌شناسی روش‌های تدریس فعال

روش‌های تدریس فعال طیف گسترده‌ای از راهبردها را در بر می‌گیرند که هر یک بر جنبه‌ای از فرآیند یادگیری متمرکزند:

*الف) یادگیری مشارکتی (Cooperative Learning): در این روش، دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک و با هدف مشترک به یادگیری می‌پردازند. Johnson و Johnson (1999) نشان دادند که یادگیری مشارکتی، در مقایسه با یادگیری رقابتی و فردی، به رشد مهارت‌های اجتماعی، افزایش عزت‌نفس و بهبود پیشرفت تحصیلی منجر می‌شود. در این روش، مسئولیت‌پذیری متقابل و تعامل چهره‌به‌چهره، عناصر کلیدی به شمار می‌روند.

ب) یادگیری مبتنی بر مسئله (Problem-Based Learning):* در این رویکرد، یادگیری از یک «مسئله واقعی و مبهم» آغاز می‌شود و دانش‌آموزان برای حل آن، به جست‌وجو، تحلیل و سنتز اطلاعات می‌پردازند. این روش موجب پرورش تفکر انتقادی، مهارت حل مسئله و یادگیری خودراهبر می‌گردد (Hmelo-Silver, 2004).

ج) ایفای نقش و شبیه‌سازی (Role-Playing): در این روش، دانش‌آموزان با قرار گرفتن در موقعیت‌های فرضی، نقش‌های گوناگون را تجربه می‌کنند. این راهبرد به درک عمیق‌تر مفاهیم، رشد همدلی و تقویت مهارت‌های ارتباطی می‌انجامد.

د) بارش فکری (Brainstorming): فرآیندی که در آن، ایده‌های متعدد بدون قضاوت و نقد فوری تولید می‌شوند. این روش، خلاقیت، جسارت فکری و مشارکت همه دانش‌آموزان را تقویت می‌کند.

ه) پروژه‌محوری و یادگیری تجربی (Experiential Learning & Project-Based): در این رویکرد، دانش‌آموزان با اجرای یک پروژه عملی، دانش نظری را به عمل پیوند می‌زنند. کلب (Kolb, 1984) در مدل یادگیری تجربی خود، یادگیری را حاصل چرخه‌ای از «تجربه، تأمل، مفهوم‌سازی و آزمایش» می‌داند.

۳. انگیزه یادگیری و نظریه خودتعیین‌گری

انگیزه یادگیری به مجموعه عوامل درونی و بیرونی اطلاق می‌شود که رفتار یادگیرنده را فعال، جهت‌دهی و پایدار می‌سازد. در ادبیات روان‌شناسی تربیتی، از دو نوع انگیزه سخن گفته می‌شود: انگیزه درونی (Inrinsic Motivation) که از کنجکاوی، علاقه و رضایت از خودِ یادگیری سرچشمه می‌گیرد، و انگیزه بیرونی (Extrinsic Motivation) که به پاداش‌ها و فشارهای محیطی (نمره، تشویق، تنبیه) وابسته است.

دیسی و رایان (Ryan, 2000 & Deci) در «نظریه خودتعیین‌گری» نشان دادند که انگیزه درونی زمانی تقویت می‌شود که سه نیاز روان‌شناختی بنیادین ارضا شوند:

- خودمختاری (Autonomy): احساس آزادی در انتخاب و کنترل بر رفتار.
- شایستگی (Competence): احساس توانمندی و اثربخشی در انجام تکالیف.
- تعلق (Relatedness): احساس ارتباط و پذیرش از سوی دیگران.

هرچه محیط آموزشی بیشتر این سه نیاز را برآورده کند، انگیزه درونی بالاتر و پایدارتر خواهد بود. در مقابل، محیط‌هایی که بر کنترل شدید، رقابت افراطی و قضاوت تمرکز دارند، انگیزه درونی را تضعیف کرده و فرد را به سمت انگیزه‌های بیرونی سوق می‌دهند.

۴. پیوند تدریس فعال و انگیزه یادگیری

پرسش محوری این بخش آن است که «چگونه روش‌های تدریس فعال، انگیزه یادگیری را افزایش می‌دهند؟» پاسخ را می‌توان در ارتباط مستقیم این روش‌ها با سه نیاز بنیادین نشان داد:

۱) تقویت خودمختاری: در روش‌های فعال، دانش‌آموز حق انتخاب دارد؛ انتخاب موضوع پروژه، نحوه ارائه، یا راهبرد حل مسئله. این آزادی، احساس مالکیت بر یادگیری را در او ایجاد می‌کند و انگیزه درونی را برمی‌انگیزد. برخلاف کلاس سنتی که در آن همه چیز از پیش تعیین شده است، در تدریس فعال یادگیرنده در «برنامه‌ریزی یادگیری» خود سهیم می‌شود.

۲) تقویت شایستگی: وقتی دانش‌آموز با یک مسئله واقعی روبه‌رو می‌شود و پس از تلاش به راه‌حل می‌رسد، احساس توانمندی و خودکارآمدی در او شکل می‌گیرد. بندورا (Bandura, 1997) معتقد است «تجربه موفقیت» قوی‌ترین عامل افزایش خودکارآمدی است. روش‌های فعال، بستر این تجربه را فراهم می‌کنند.

۳) تقویت تعلق: یادگیری مشارکتی و گروهی، فرصت تعامل، همدلی و تعلق اجتماعی را فراهم می‌کند. دانش‌آموزی که احساس کند بخشی از یک جمع یادگیرنده است، آسان‌تر درگیر یادگیری می‌شود و از طرد شدن نمی‌هراسد. این حس تعلق، بر پایه نظریات دلبستگی نیز قابل تبیین است.

افزون بر این، روش‌های فعال موجب «درگیری شناختی عمیق‌تر» می‌شوند. وقتی دانش‌آموز خود در فرآیند ساخت معنا مشارکت دارد، اطلاعات را در سطحی عمیق‌تر پردازش می‌کند و در نتیجه، یادگیری پایدارتر و معنادارتر خواهد بود (Lockhart, 1972 & Craik). این پدیده، حلقه واسطی است که میان تدریس فعال و افزایش انگیزه قرار می‌گیرد.

۵. شواهد پژوهشی و یافته‌های تجربی

شواهد تجربی متعددی، رابطه مثبت میان تدریس فعال و انگیزه یادگیری را تأیید کرده‌اند. فریمن و همکاران (Freeman et al., 2014) در یک فراتحلیل بر روی ۲۲۵ مطالعه در حوزه علوم، نشان دادند که استفاده از روش‌های فعال، میانگین نمرات دانش‌آموزان را حدود ۶٪ افزایش و نرخ شکست را حدود ۱.۵ برابر کاهش می‌دهد.

پژوهش‌های داخلی نیز نتایج مشابهی را گزارش کرده‌اند. مطالعات نشان می‌دهد که روش‌های یادگیری مشارکتی و بارش فکری، به‌طور معناداری انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه را افزایش داده و حتی بر کاهش اضطراب امتحان اثرگذار بوده است. این یافته‌ها گویای آن‌اند که کاربرد تدریس فعال نه یک انتخاب سلیقه‌ای، بلکه یک ضرورت مبتنی بر شواهد است.

۶. چالش‌ها و موانع اجرای تدریس فعال

با وجود مزایای فراوان، اجرای روش‌های تدریس فعال با چالش‌هایی روبه‌روست که باید مورد توجه قرار گیرد:

- کمبود زمان و حجم بالای محتوای درسی: نظام‌های آموزشی متمرکز، اغلب معلم را تحت فشار زمانی قرار می‌دهند و او را به سخنرانی‌محوری سوق می‌دهند.
- آموزش ناکافی معلمان: بسیاری از معلمان در دوره‌های تربیت معلم با روش‌های فعال به شکل عملی آشنا نمی‌شوند.
- مقاومت در برابر تغییر: تغییر از فرهنگ «معلم‌محور» به «دانش‌آموزمحور»، نیازمند تغییر در باورها و نگرش‌های معلمان است.
- فضا و امکانات محدود:* کلاس‌های پرشمار و کم‌فضا، اجرای گروه‌بندی و پروژه‌محوری را دشوار می‌کند.
- *ارزشیابی سنتی: نظام ارزشیابی مبتنی بر حافظه، با ماهیت روش‌های فعال همخوانی ندارد و انگیزه معلمان را برای به‌کارگیری آن‌ها کاهش می‌دهد.

۷. مدل عملیاتی: چگونه معلم می‌تواند انگیزه را فعال کند؟

برای گذار از نظریه به عمل، می‌توان الگویی چهارگامی پیشنهاد کرد:

گام اول — طراحی موقعیت یادگیری مسئله‌محور: معلم به جای شروع با تعریف و توضیح، کلاس را با یک پرسش چالش‌برانگیز یا مسئله واقعی آغاز می‌کند تا کنجکاوی برانگیخته شود.

گام دوم — واگذاری مسئولیت یادگیری: دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک، خود به جست‌وجو و بررسی می‌پردازند. معلم در نقش راهنما، پرسش‌های هدایتگر مطرح می‌کند.

گام سوم — ارائه و بازخورد سازنده: هر گروه یافته‌های خود را ارائه می‌دهد و بازخورد کیفی و غیرقضاوتی دریافت می‌کند. این بازخورد باید بر فرآیند تلاش و پیشرفت تأکید کند، نه بر نتیجه نهایی.

گام چهارم — تأمل و فراشناخت: در پایان، دانش‌آموزان به این پرسش پاسخ می‌دهند که «چه چیزی یاد گرفتم؟» و «چگونه یاد گرفتم؟». این مرحله، فراشناخت و مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند.

انواع روش‌ها و قالب‌های تولید محتوا در تدریس چیست ؟

برای این‌که بتوانید اطلاعات و مهارت‌های‌تان را در اختیار دیگران قرار دهید و تدریسی جذاب و متفاوت داشته باشید، لازم است روش‌های تولید محتوا را بیاموزید. برای تولید یک محتوای درجه یک باید:

- به کیفیت توجه کنید،
- سعی کنید کار متفاوتی از دیگر مدرسان انجام دهید،

- استفاده از ابزارهای لازم برای تولید محتوا را به خوبی بیاموزید.

انواع روش‌ها و قالب‌های تولید محتوا عبارتند از:

1. عکس،
2. متن،
3. ویدیو،
4. و صوت

چهار ویژگی خاص در تعریف تدریس وجود دارد که عبارتند از :

الف) وجود تعامل بین معلم و دانش آموزان
ب) فعالیت بر اساس اهداف معین واز پیش تعیین شده
ج) طراحی منظم با توجه به موقعیت و امکانات
د) ایجاد فرصت و تسهیل یادگیری . » (شعبانی ،ص 9 ، 1382)
روش کنفـــرانس (گـــرد هم آیی)«این روش با روش سخنرانی تفاوت دارد زیرا در روش سخنرانی، معلم مسئول دادن اطلاعات به دانش آموزان است. در حالیکه در این روش اطلاعات توسط دانش آموزان جمع آوری و ارائه می گردد. این روش می تواند مشخص کند که دانش آموزان تا چه اندازه می دانند. این روش یک موقعیت فعال برای یادگیری به وجود می آورد. نقش معلم در کنفرانس صرفاً هدایت و اداره کردن جلسه و جلوگیری از مباحثاتی است که منجر به انحراف از موضوع کنفرانس و روال منطقی آن شود. این روش برای کلیه دروس وسنین مختلف کاربرددارد.

روش شاگـــرد ـ استـــادیقدمت این روش به زمانی که انسان مسئولیت آ موزش دهی انسانهای دیگر را چه از طریق غیررسمی و چه از طریق رسمی به عهده گرفت ،می رسد .و قدمت آن به صدر اسلام برمی گردد مسجد نخستین موسسه ای بود که چنین سیستمی را برای تعلیم و تربیت مسلمانها به کار برده است. از روشهای تعلیمی که در روش شاگرد ـ استادی حائز اهمیت است , روش حلقه یا مجلس است, که پیامبر عظیم الشان اسلام از این روش به مردم آن زمان آموزش می داد. همه افراد در کودکی دوست دارند نقشی غیر از نقش واقعی خود بازی کنند , روش شاگرد ـ استادی به این نقش خیالی, جامه عمل می پوشاند. در این روش به دانش آموزان اجازه داده می شود که نقش معلم را ایفا کنند. هدف اساسی این روش آن است که شاگرد , معلم گردد و از این طریق تجارب تازه و ارزشمندی به دست آورد .در این روش ,در صورت فقدان معلمان متخصص, تعداد زیادی از دانش آموزان مهارت خاص را آموخته اند و می توان از آنها استفاده کرد.

روش چند حســـی (مختلط)استفاده از این روش مستلزم به کار گرفتن همه حواس است و جریان یادگیری از طریق تمام حواس صورت می گیرد . از طریق کار بست این روش می توان , مطالب و مهارتها را درک کرد , ارتباط موثرتری برقرار کرد , مهارتها و مطالب را از یک موقعیت به موقعیت دیگر تعمیم داد. در یادگیری روش چند حسی به طور کلی از همه حواس استفاده می شود, به بیان دیگر ,یادگیری بصری که 75 % از مجموع یاد گیری ما از طریق دیدن است , یادگیری سمعی که 13 % از مجموع یادگیری ما از طریق شنیدن است , لمس کردن , که 6% از مجموع یادگیری ما از طریق لمس کردن است , چشیدن که 3% از مجموع یادگیری ما از طریق چشیدن است و بوییدن که 3% از مجموع یادگیری از طریق بوییدن است.

روش حل مسئلـــه این روش یکی از روشهای فعال تدریس ست. اگر نظام آموزشی بخواهد توانایی حل مسئله را به دانش آموزان یاددهد, (البته مسئله به معنی مشکل و معضل نیست, به بیان دیگر مسئله موضوعی نیست که برای ما مشکل ایجاد کند, بلکه رسیدن به هدف در هر اقدامی, به نوعی حل مسئله است, (خورشیدی , غندالی , موفق, 1378) در این روش آموزش در بستر پژوهش انجام می شود و منجر به یادگیری اصیل و عمیق و پایدار در دانش آموزان می شود. در این روش ابتدا معلم باید مسئله را مشخص, سپس به جمع آوری اطلاعات توسط دانش آموزان پرداخته شود, و بعد از جمع آوری اطلاعات بر اساس اطلاعات جمع آوری شده دانش آموزان فرضیه سازی و در نهایت فرضیه ها را ازمون و نتیجه گیری شود. اگر روش حل مسئله درست انجام شود می تواند منجر به بارش یا طوفان فکری گردد. یعنی اگر معلم روش تدریس حل مسئله را به درستی انجام دهد, دانش آموزان می کوشند تا برای حل مسئله با استفاده از تمام افکار و اندیشه

هایی که دارند, در کلاس راه حلی بیابندو آن را ارائه دهند. به بیان دیگر اگر معلم در روش تدریس حل مسئله به درستی عمل کند, منجر به روش تدریس بارش مغزی نیز می شود. به طور کلی اگر نظام آموزش و پروش بخواهد در جهت تقویت زمینه های بالقوه خلاقیت نقش مهمی ایفا کند همانا بست روشهای تدریس حل مسئله و بارش فکری در کلاس درس توسط معلمان است.

روش پـــروژه ایروش تدریس پروژه ای به دانش آموزان امکان می دهد تا قدرت مدیریت, برنامه ریزی و خود کنترلی را در خودشان ارتقاء بخشند. در این روش دانش آموزان می توانند با توجه به علاقه ی خود موضوعی انتخاب و به طور فعالانه در به نتیجه رساندن آن موضوع شرکت نمایند. براین اساس در این روش دانش آموزان یاد می گیرند که چگونه به طور منظم و مرحله ای کاری را درس انجام دهند و این روش باعث تقویت اعتماد به نفس در دانش آموزان می شود زیرا بین آنها و معلم رابطه صحیح آموزشی بر قرار است و در نهایت این روش باعث تقویت همکاری, احساس مسئولیت, انضباط کاری صبر و تحمل در انجام امور و تحمل عقاید دیگران و مهارتهای اساسی پژوهش در دانش آموزان می شود.

شیـــوه سخنـــرانیمعلم به طور شفاهی اطلاعات و مفاهیم را , در عرض مدتی که ممکن است از چند دقیقه تا یک ساعت یا بیشتر طول بکشد, در کلاس ارائه می دهد. در سخنرانی می توان معلم را با عنوان پیام دهنده و دانش آموز را به عنوان پیام گیرنده تصور کرد. از این نظر سخنرانی شیوه ای است یک سویه, برای انتقال اطلاعات, که معمولاً فراگیر در آن نقش غیر فعالی دارد. محتوای سخنرانی را معلم قبل از ورود به کلاس تعیین می کند.

شیوه بازگویـــیبازگویی شیوه ای است که معلم بکار می برد تا فراگیر را در بیاد سپردن اشعار, قواعد, فرمولها, تعاریف و اصطلاحات تشویق کند. در بازگویی معمولاً معلم از دانش آموز انتظار دارد که موضوع بیاد سپرده را کلمه به کلمه بیان کند. شیوه بازگویی مطالب, با آنکه اغلب در کلاسها مورد استفاده قرار می گیرد, ولی متاسفانه ضرورتاً دلالت بر تحقق یادگیری نمی کند. کاربرد این شیوه تنها نشان می دهد که دانش آموز مطالب مورد نظر را بیاد سپرده است. گاهی هدف معلم اساساً این است که دانش آموز موضوعی را بخاطر بسپارد تا برای درک مفهوم خاصی از آن را بکار برد, در این روش صورت بکار گرفتن این شیوه ممکن است مفید باشد.

شیوه تمـــرینیمعلم معمولاً بوسیله تمرین, فراگیر را به تکرار مطلب یا کاربرد آن تشویق می کند تا فراگیر در موضوع مورد نظر تبحر لازم را کسب کند. مثلاً معلم انگلیسی از فراگیر می خواهد که با تکرار شفاهی اصطلاحات, تلفظ صحیح آنها را فراگیرد, یا بعد از یافتن طرز ساختن جملات شرطی, پنج جمله شرطی بسازد. ممکن است معلم ریاضی , پس از درس دادن مفهوم مشتق و طرز مشتق گیری از توابع, از دانش آموزان بخواهد که ده مسئله در رابطه با این موضوع حل کنند. در تمام موارد بالا معلم, با استفاده از شیوه تمرینی, دانش آموزان را به تکرار یا کاربرد مفاهیم مورد نظر تشویق می کند.

شیـــوه بحثـــیدر شیوه بحثی, دانش آموزان فعالانه در یادگیری شرکت می کنند و مفهوم مورد نظر را از یکدیگر می آموزند. در این شیوه معلم را می توان به عنوان محرک, شروع کننده بحث و راهنما تصور کرد. معلم طوری سوال یا مسئله را مطرح می کند که دانش آموزان را به پاسخگویی یا حل مسئله تشویق کند. این شیوه در دو مورد زیر, کاربرد خاصی دارد:

۱- موقعی که معلم می خواهد مفهوم جدیدی را به فراگیران بیاموزد (مانند موقعیت بالا)و انتظار دارد که همه آنها مفهوم را به شکلی واحد در یابند در این صورت معلم سعی می کند که بحث را به جهتی بکشاند که شکل صحیح مفهوم از آن نتیجه گیری شود.۲- هدف معلم این است که ذهن دانش آموز را به تکاپو وجستجو وادارد. در این صورت معلم مسئله ای را عنوان می کند که تا دانش آموزان راه حل آن را پیشنهاد کنند. در این موقعیت معلم سعی می کند که موضوع بحث را به دلخواه خود کنترل نکند, تا راه حلی را که خود در نظر دارد به کلاس تحمیل نکرده باشد.

شیـــوه نمایشـــیدر این شیوه معلم معمولاً, برای فهماندن مطلبی خاص به فرا گیران, از وسایل و اشیاء گوناگون استفاده می کند. در صورتی که معلم نتواند برای فهماندن مطلب درسی آزمایش انجام دهد, شیوه نمایشی می تواند شیوه خوبی برای روشن تر کردن مفهوم برای فراگیران باشد.

شیـــوه آزمایشـــی (روش اجرا کردن یا یادگیری بوسیله عمل)آزمایش فعالیتی است که در جریان آن فراگیران با به کار بردن وسایل و مواد بخصوصی در باره مفهومی خاص عملاً تجربه کسب می کنند. آزمایش معمولاً در آزمایشگاه انجام میگیرد, اما نداشتن آزمایشگاه مجهز یا وسایل مناسب در مدرسه نباید دلیلی برای انجام ندادن آزمایش در کلاس وسایل بسیار ساده ای لازم است که معلم و حتی دانش آموز می تواند به آسانی آنها را تهیه کند. آزمایش, گاهی به منظور آشنا

کردن دانش آموزان با جنبه های عملی یک مفهوم, مورد استفاده قرار می گیرد. برای اینکار معلم دستور عمل انجام آزمایش را در اختیار فراگیران می گذارد و انتظار دارد که دانش آموزان با استفاده از دستور کار سرانجام به نتیجه یکسانی برسند. در موارد دیگر آزمایش به منظور فراهم آوردن محیطی مناسب برای حل مسئله تلقی می شود. در اینصورت معلم جهت کلی فعالیت را مشخص می کند و فراگیران را بر آن می دارد تا در اجرای آزمایش به طور مستقل تصمیم گیری و نتیجه گیری کنند. آزمایش برای تدریس مفاهیم علوم تجربی به ویژه فیزیک, بسیار لازم است و بدون آن دانش آموز نمی تواند مفاهیم مورد نظر را به درستی فراگیرد.

شیـــوه گـــردش علمـــیگردش علمی به دانش آموزان امکان می دهد که از طریق مشاهده طبیعت, وقایع, فعالیت ها, اشیاء و مردم تجزیه علمی بدست آورد. در گردش علمی دانش آموزان با مشاهده واقعیتها می توانند مفاهیمی را که در در کلاس مورد بحث قرار می گیرد, بهتر در ذهن خود بپرورانند و معلم می تواند با استفاده از این شیوه کنجکاوی فراگیران را درباره موضوعی خاص بر انگیزد. در بعضی موارد, می توان از گردش علمی برای جمع آوری اطلاعات لازم برای انجام گرفتن آزمایش, یا یک پروژه, بهره گرفت. مثلاً اگر هدف درس(شناختن کانیهای دارای ارزش اقتصادی) باشد می توان دانش آموزان را به چند معدن برد تا کانیهای مختلف را جمع آوری کنند و آنها را در کلاس, بعد از آزمایشهای لازم, بشناسند.

استفاده از منابـــع دیداری و شنیـــداریاستفاده از منابع دیداری و شنیداری در تدریس را در حقیقت نمی توان شیوه مستقل و مجزا دانست. معلم در هر گونه تدریسی می تواند از وسایل دیداری و شنیداری کمک بگیرد. گاهی می توان در تدریس از وسایلی نظیر رادیو , تلویزیون و ضبط و پخش صوت, نمودار و نقشه استفاده کرد. مثلاً معلم در هنگام سخنرانی ممکن است از عکس استفاده کند, یا برای نمایش دادن یک رابطه علمی از نمودار کمک بگیرد. در مواردی که معلم می خواهد یک موضوع اجتماعی را تدریس کند, ممکن است بحث رادیویی مناسبی را که روی نوار ضبط شده است برای فراگیران پخش کند.به طورکلی کاربرد صحیح منابع دیداری و شنیداری برای بر انگیختن کنجکاوی دانش آموزان و تشویق آنها به فراگیران بسیار موثر است.

الگـــوی کاوشگری به شیوه حقوقیاین الگو برای کمک به دانش آموزان در بررسی مسایل اجتماعی از قبل عدالت , برابری, فقر, قدرت, تقویت رشد عمومی و اجتماعی آنها برای توجیه و حل اینگونه مسایل به شیوه مذاکره است. در این الگو معلم آغازگر, کنترل کننده جو برای ایجاد یک فضای مثبت کاری و عقلی, باز و پویا است و به فراگیران تفهیم می کند که یکدیگر را مستقیم ارزیابی ننمایند, و به عقاید و نظرات همدیگر احترام بگذارند. این الگو بیشتر برای دوره های دبیرستان و دانشگاه کاربرد دارد و در نهایت باعث تقویت روحیه همدلی, قضاوت منطقی در خصوص مسائل اجتماعی تحلیل مناسب مسائل روز و تقویت کار دسته جمعی در دانش آموزان می شود. مثال: فرض کنید بعضی از دانش آموزان با سهمیه ای شدن کنکور سراسری مخالف هستند , معلم از طریق شرکت سهامی فکر با دانش آموزان به بررسی این مهم می پردازد و در نهایت به کمک خود دانش آموزان آنها را قانع می نماید.

روش کارگاهـــــیروش تدریس کارگاهـــی یکی از روشهای موثر یاددهی و یادگیری است که در بیشتر موارد با روش سخنرانی,سمینار, کنفرانس و سمپوزیوم یکسان بکار برده می شود

ادغام روش ها، بهترین الگوی آموزش

بسیاری از معلمان در تلاشند تا فرآیند آموزش را از حالت منفعل بیرون بیاورند و دانش آموزان را ترغیب کنند تا به صورت فعالانه در یادگیری مطالب درسی مشارکت داشته باشند.یکی از الگوهای آموزش «دانش آموز محور»، الگوی تجربه و گفت وگو است. در این الگو تمامی فعالیت های آموزشی برپایه تجربه و گفت وگو بنیان نهاده شده است. تجربه به دو بخش عملی و مشاهده تقسیم می شود و گفت وگو نیز شامل دو بخش گفت وگوی درونی و گفت وگو با سایر دانش آموزان است.

● گفت وگوی درونیدر این روش از دانش آموزان خواسته می شود تا درباره موضوع درسی به خوبی فکر کنند و سپس ایده ها و نظرات و عقاید خود را درباره آن به روی کاغذ بیاورند یا به نحو دیگری ثبت کنند. استفاده از این روش موجب می شود تا دانش آموز از موضع یک شنونده مطلق بیرون بیاید و فعالانه فکر کند.● گفت وگو با دیگر دانش آموزان در شیوه های آموزش سنتی نیز از این روش به صورت کنفرانس دادن دانش آموزان یا در کلاس کتابی را با صدای بلند خواندن استفاده می شود. هر چند این موارد می تواند در کلاس تنوعی ایجاد کند، ولی چندان کارآمد نیست.
● مشاهدهدر این روش دانش آموزان موضوع درس را به صورت دیداری یا شنیداری فرا می گیرند.استفاده از آزمایشگاه ، دیدن فیلم ، گوش دادن به نوار یا CDهای صوتی، رفتن به اردوهای علمی و بازدید از موزه های مختلف در این دسته

قرار می گیرند.● تجربه عملیدر این روش دانش آموز خود وارد عمل می شود و دست به انجام فعالیت های مختلف می زند.انجام دادن آزمایش های مختلف ، انجام دادن کارهای هنری ، نمایش دادن و بازی های نقش آفرینی در این دسته قرار می گیرند.

● استفاده از الگوی تجربه و گفت وگوچگونه یک معلم می تواند از این مدل چهارگانه برای مؤثرتر کردن آموزش دانش آموزان استفاده کند راهکارهای زیر می توانند در این باره بسیار مؤثر باشند.● توسعه روش های تدریسبرای آموزش دادن می توان از روش های متنوع و زیادی استفاده کرد. اگر بتوانید دانش آموزان را به مشارکت در یادگیری ترغیب کنید، خودتان هم از تدریس بیشتر لذت خواهید برد. استفاده از بحث های گروهی دانش آموزان را فعال و مشتاق می کند و کلاس را از حالت کسالت بار بیرون می آورد.سعی کنید دانش آموزان را به سوی تحقیق و پژوهش و حتی گفت وگو با افراد متخصص درباره موضوع درسی سوق دهید. در کلاس از محصولات سمعی و بصری به خوبی استفاده کنید. فیلم ها، عکس ها و پوسترها می توانند به خوبی ذهن دانش آموزان را درگیر موضوع درس کنند.البته استفاده از چهار مدل ارائه شده در این الگو به موازات یکدیگر می تواند نتایج بسیار خوبی در برداشته باشد.● یادگیری استدلالیدر استفاده از الگوی تجربه و گفت وگو، هدف ایجاد تعامل و تعادل بین این دو است. در حقیقت تجربه و گفت وگو از یکدیگر جدا نیستند و پیشرفت در هر یک از آنها موجب توسعه دیگری می شود. تجربه موجب می شود تا دانش آموزان از زوایای مختلف موضوع درسی را بررسی کنند و افکار و عقاید خود در آن زمینه را به سطح بالاتری ارتقا دهند که بازتاب آن در گفت وگو دیده می شود. گفت وگو نیز موجب درک بهتر تجربه دستیابی به معانی و مفاهیم وسیع تری از مشاهدات و آزمایش ها می شود.

- ریسک دانش آموزان در گرو ایجاد محیط امن در کلاس

اگر معلم یک فضای مناسب برای دانش آموزان فراهم نماید ، استعدادها و قابلیت های دانش آموزان شکوفا می شود . نگاه تحقیر آمیز به پاسخ های غلط از سوی معلم عواقب بدی دارد ، زیرا قدرت بیان موضوعات و دیدگاه های آنان را کاهش می دهد . لذا باید به تمامی عکس العمل ها اعم از درست یا غلط با نگاه احترام برخورد شود . اگر این فضا فراهم شود ، قدرت ریسک پذیری دانش آموزان افزایش و استعدادهای آنان شکوفا می گردد .

3- انتقال اشتیاق و هدفداری توسط مدرسان بزرگ

اختلاف بین یک معلم خوب و یک معلم عالی ، تخصص آنان نیست بلکه مربوط به اشتیاق و علاقه آنان است و این اشتیاق مسری است . اگر معلم دارای علاقه و اشتیاق باشد ، دانش آموزان نیز علاقه و اشتیاق پیدا می کنند . لذا یک محیط مناسب برای کار و فعالیت مشترک ایجاد می گردد .

4- مشخص کردن چیزی که فراگیر باید بیاموزد در نوع یاد گیری موثر خواهد بود :

زمانی که مدرس موقعیت کنونی و مقصد را دقیقا برای فراگیران تشریح نماید ، توان یادگیری آنان افزایش می یابد ، لذا در شروع هر مبحث بهتر است اهداف و نکات مهم ذکر شود . همچنین باید یادآوری شود که فهم چه میزان از مطالب پر اهمیت و ضروری است . این شیوه توانایی دانش آموزان را در یادگیری افزایش می دهد .

5- مطالب را واضح و روشن بیان کنید ، اگر چه نمی توانید آن ها را ساده کنید :

یکی از خصوصیات معلم خوب ، توانایی شکستن مسائل پیچیده و ساده سازی و قابل فهم نمودن مسائل است . بنابراین اگر یک مطلب پیچیده را نمی توانید کاملا ساده کنید ، آن را به وضوح برای دانش آموزان شرح دهید .

6- بدون فدا کردن اعتماد پذیری ، آسیبل پذیری را تمرین کنید :

از نظر برخی از مردم ، معلم یا رهبر بودن به معنی دانستن همه ی پاسخ هاست . بعضی اوقات « نمی دانم» بهترین پاسخ یک معلم است . به جای از دست دادن اعتبار ، معلم اعتماد دانش آموز را جلب می نماید و این اعتماد اساس یک رابطه مولد است . همگی ما می دانیم ، که کامل بودن یک نقاب است ، بنابراین به افراد پشت نقاب (همه فن حریف) اعتماد نمی کنیم زیرا آن ها با ما صادق نبوده اند . پذیرفتن چیزهایی که نمی دانید ، نشان می دهد که شما هنوز در حال یادگیری هستید به این معنی که خود معلم هنوز فراگیر است .

7- از اعماق وجودتان آموزش دهید :

بهترین روش تدریس روش فرموله شده نیست ، بلکه این می تواند یک امر مشخص باشد . افراد مختلف یک داستان را به شیوه های مختلف تعریف می کنند . به عبارت دیگر ما همانطور که خودمان هستیم آموزش می دهیم . اگر ما کاملا خودمان را نشناسیم ، نمی توانیم کاملا دانش آموزانمان را بشناسیم ، بنابراین نمی توانیم با آن ها ارتباط برقرار نماییم .

8- نکات مهم را تکرار کنید :

اگر می خواهید دانش آموزان یک مطلب اساسی را همیشه به خاطر داشته باشند ، آن را بیش از یک بار تکرار نمایید . وقتی مطلبی را برای اولین بار ذکر می نمایید ،آن مطلب تنها شنیده می شود ، بار دوم تکرار مطلب شناخته می شود و بار سوم مطلب آموخته می شود . اما تکرار موضوع باید به شیوه ای باشد که سبب خستگی دانش آموزان نشود و یک معلم با تجربه در عین حال که یک مطلب مهم را چندین بار تکرار می نماید ، اما هر بار به شیوه ای مطلب را بیان می نماید که برای شنونده جذاب باشد .

9- شما خودتان اطلاعات را ارائه نمی دهید :

شما به دانش آموزان چگونه فکر کردن را آموزش می دهید . آخرین چیزی را که می خواهید انجام دهید این است که روبروی آن ها بایستید و به آنان بگویید که چه کار انجام دهند . بهترین معلمان آنهایی هستند که به دانش آموزان یاد می دهند که چه طور فکر کنند نه این که چه فکری بکنند .

10- معلمان خوب ، سوالات خوب می پرسند :

معلمان قوی این مطلب را به خوبی می دانند که یادگیری جستجوی ندانسته ها یا نشناخته هاست و بهترین روش برای درک و جستجوی ندانسته ها ، سوال است . طبیعتا این سوالات به صورت ساده ای که پاسخ آن ها آری یا خیر باشد نیستند ، بلکه سوالاتی مد نظر می باشد که دروازه ای را به سوی درک عمیق تر موضوع می گشاید . برای مثال : این دستگاه چگونه کار می کند ؟

11- صحبت کردن را قطع نمایید و گوش کردن را آغاز نمایید :

یکی از روش های موفق در تدریس این است که شما نیز به صحبت های دانش آموزان با دقت گوش فرا دهید . توجه داشته باشید که یادگیری موثر مانند یک خیابان دوطرفه است .

12- بیاموزید به چه چیزی باید گوش دهید :

به منظور جلوگیری از مباحث انحرافی که ممکن است سبب اتلاف وقت شود ، با افکار خود به دانش آموزان نشان دهید که به کدام یک از مباحث طرح شده آن ها علاقمندید و به چه مسائلی علاقه ندارید .

13-به دانش آموزان اجازه دهید همدیگر را آموزش دهند :

توجه داشته باشید تنها کسی نیستید که قرار است دانش اموزان از شما مطلب را یاد بگیرند . آن ها می توانند هم از خودشان و هم از هم شاگردی های خود مطالب را بیاموزند . بنابراین یادگیری مانند رئوس یک مثلث است که تنها یکی از آن ها شما هستید . افراد مانند قطعات و اجزای اطلاعات و دانش هستند ، به همین دلیل این امر هر شخص را گاه تبدیل به معلم و گاهی آموزنده می نماید .

14- از روش های مشابه و یکسان برای تمامی افراد استفاده نکنید :

معلمین بزرگ اعتقاد دارند که هر دانش آموز می تواند یاد بگیرد ، اما شیوه های یادگیری متفاوت هستند . برخی از آن ها بصری ، برخی سمعی و برخی خلاصه و چکیده را دوست دارند و برخی با خواندن ، خوب یاد می گیرند . بنابراین معلم باید شیوه چند بعدی را برگزیند . اتخاذ یک روش ثابت برای تدریس هیچ وقت موفقیت امیز نیست ، زیرا ممکن است یک روش که برای تعدادی از دانش اموزان مفید واقع می شود به نیازهای دیگران پاسخ ندهد .

15- هیچگاه آموزش را متوقف نکنید :

آموزش موثر در حقیقت کیفیت ارتباط بین معلم و دانش آموز است . این ارتباط با پایان کلاس تمام نمی شود ، لذا بیش تر از آن چه که دانش آموزان تلاش کنند که اطلاعات درسی را فرا گیرند ، شما تلاش نمایید که اطلاعات را به آنان انتقال دهید .

16- تعادل در آموزش را رعایت کنید :

آموزش ها لازم است به بهترین و موثرترین شیوه ارائه شود تا دانش آموزان بیش ترین بهره را از آن بگیرند . از سوی دیگر آموزش ها ، به ویژه تکالیفی که به آن ها ارائه می شود باید در حدی باشد که علاوه بر آن که دانش آموز به هدف نهایی خود یعنی فراگیری بهتر و موفقیت بیش تر دست می یابد ، امکان رشد ابعاد دیگر شخصیت او را نیز فراهم نماید .

17-به تغییرات حساس باشیم :

معلم نخستین شخصی است که از تغییرات ، چه مثبت و چه منفی مطلع می شود . به عقیده روانشناسان به هر میزان معلم ارتباط صمیمانه تری با دانش آموزان داشته باشد ، به همان میزان شناسایی ضعف ها و قوت ها آسان تر و سریع تر خواهد بود . تمرکز دقیق معلم بر روی رفتار دانش آموزان حین تدریس نخستین گام برای شناسایی وضعیت دانش آموزان است . حرکت های نابجا حواس پرتی ، خستگی ، عصبانیت و بی تفاوتی ، شیطنت و بی نظمی و .... همگی رفتارهایی است که در زمان تدریس معلم به خوبی نمایان می شود . ت.جه به اینگونه تغییرات به راحتی معلم را برای شناسایی و حل مسائل و مشکلات دانش آموز راهنمایی می کند .

18- نگه داشتن دانش اموز در فضای یادگیری

معلمان باید موقعیت هایی در کلاس به وجود آورند که باعث حفظ و نگهداری دانش آموزان در فضای یادگیری شود . چنین موقعیت هایی این امکان را فراهم می سازند که دانش آموزان به طور پیوسته در فرایند یادگیری مشارکت داشته باشند و این مشارکت تداوم یابد . به عبارت دیگر ، این موقعیت ها ،قدرت نگه داری و حفظ توجه و مشارکت دانش آموزان را از مزاحمت ها و عوامل پرت کننده حواس حفظ می کنند

19- رفتارهای کلاسی معلمان :

به عقیده بسیاری از پژوهشگران آموزشی ، همبستگی معناداری بین بعضی از رفتارهای معلمان و پیشرفت تحصیلی شاگردان وجود دارد . دکتر سیف ، هشت متغیر آموزشی یا رفتار کلاسی معلمان را که با یادگیری شاگردان رابطه و همبستگی معنی داری دارد ، معرفی کرده است :

- روشنی توضیحات معلم در کلاس
- انعطاف پذیری در روش آموزش
- اشتیاق در کار، شامل تحرک در کلاس ، حرکات سر و دست و نوسان صدا
- احساس مسئولیت در عمل ، شامل تاکید بریادگیری و فعالیت شاگردان
- دادن فرصت یادگیری به شاگردان تا سر حد تسلط
- به کارگیری عقاید شاگردان ، شامل تشویق به اظهار نظر و تایید نظرات آن ها
- استفاده از مطالب سازمان دهنده شامل مرور کردن مطالب و ایجاد ارتباط مطالب درسی با یکدیگر
-طرح سوال با سطوح مختلف ، از جمله سوالهایی که با چه ، کجا و چگونه شروع می شود .

مولفه‌های تدریس موثر؛ مؤلفه‌های اثرگذار بر تدریس موثر معلمان

طبق تحقیقاتی که صابرعبدالملکی و لیلا فرجادمند در مقاله مؤلفه‌های تدریس موثر معلمان عنوان کردند: مولفه‌های اثرگذار بر تدریس موثر معلمان به ۶ بخش اصلی تقسیم می‌شود. ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی، ویژگی‌های تخصصی معلم، مهارت‌های تدریس، ارزشیابی آموزشی، کنش روانشناسانه و مدیریت کلاس

ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی: این مولفه بیانگر این است که معلمان در فرایند آموزش و یادگیری باید مجموعه‌ای از اصول و مسائل اخلاقی و رفتاری را دخیل کند. این اصول رفتاری و اخلاقی شامل؛ شوخ‌طبعی و خوش‌رویی، داشتن اعتمادبه‌نفس، علاقه و اشتیاق معلم به تدریس و دانش‌آموزان، وقت‌شناسی، نوع پوشش و ظاهر معلم، احترام به دانش‌آموزان، تعهد و مسئولیت‌پذیری، رعایت عدالت در بین شاگردان و صبوری بود.

ویژگی‌های تخصصی معلم: این مولفه بیانگر این است که معلمان در فرایند آموزش دروس مختلف باید بر موضوع مورد تدریس تسلط، تخصص و دانش به روزی داشته باشند. این ملاحظات دارای زیرمولفه‌های تسلط کامل بر موضوع تدریس، دانش علمی معتبر و به‌روز و کارآمد از موضوع درسی، بیان کاربردی موضوع درسی در زندگی است. در واقع بهترین روش تدریس معلم از میزان دانش او و تسلطش بر موضوع نشات می‌گیرد.

مهارت‌های تدریس: این مولفه بیانگر این است که معلمان در فرایند یاددهی و یادگیری در کالس درس باید بر رویکردها، روش‌ها، اصول و فنون تدریس تسلط و دانش داشته باشد. این ملاحظات دارای زیر مولفه‌های انتقال شیوا و ساده موضوعات درسی، بکارگیری روش تدریس موثر با موضوع، سازماندهی و ایجاد ساختار مناسب در ارائه مطالب، استفاده از وسایل کمک‌آموزشی در فرآیند تدریس، برقراری ارتباط فعال با دانش‌آموزان در موقعیت یادگیری، به کارگیری روش‌های تدریس فعال، فرصت تمرین و تکرار مطالب در کلاس است.

ارزشیابی آموزشی: این مولفه بیانگر این است که معلمان در هنگام تدریس دروس مختلف باید بر اصول و روش‌های ارزشیابی بهینه در کلاس درس و متناسب با موضوعات مختلف آموزشی تسلط داشته باشند. این ملاحظات دارای زیر مولفه‌های کاربرد روش‌های متنوع ارزشیابی، تعیین هدف‌های یادگیری قابل تحقق و متناسب با توانایی شاگردان، بکارگیری روش‌های ارزشیابی متناسب با اهداف آموزشی، فعالیت تکمیلی متنوع و مناسب برای دانش‌آموزان، ارائه بازخورد دقیق و فوری به دانش‌آموزان است.

کنش روانشناسانه: این مولفه بیانگر این است که معلمان در فرایند تدریس باید از ویژگی‌های رفتاری و ذهنی یادگیرندگان، شناخت و دانش کافی داشته باشند. این ملاحظات دارای زیر مولفه‌های استفاده از منابع انگیزشی، توجه به تفاوت‌های فردی شاگردان، آشنایی با پیشینه تحصیلی و هوشی دانش‌آموزان، مهارت ترغیب به یادگیری، استفاده مناسب از راهبردهای تشویق و تنبیه، آموزش و بکارگیری راهبردهای شناخت و فراشناخت که از ویژگی‌های تدریس موثر است، می‌باشد.

مدیریت کلاس: این مولفه بیانگر مهارت و دانش معلم در طراحی و ساخت محیطی فعال و سازنده در کلاس درس در بحث آموزش موثر است. این ملاحظات دارای زیر مولفه‌های تهیه طرح درس، تعیین قوانین و مقرارت کلاس با کمک دانش‌آموزان، نظارت و کنترل بر دانش‌آموزان با تاکید بر خودنظارتی، ایجاد جو روانی بدون تنش و استرس، شناسایی و کنترل عوامل مزاحم در اجرای برنامه‌های کلاسی و برقراری رابطه سازنده با دانش‌آموزان با تاکید بر مشارکت همه‌ی آن‌ها است.

راهکارهای برای تدریس موثر برای معلمان عزیز

در اینجا لیستی از متدهایی که برای افزایش موثری تدریس موثر هستند را عنوان کرده‌ایم:

1- برای تدریس موثر از دامنه آموزشی‌تان لذت ببرید.

معلمانی که برای کارشان اشتیاق و علاقه زیادی دارند می‌توانند به دانش‌آموزان‌شان الهام ببخشند و روحیه دهند. استفاده از برنامه ریزی درسی جذاب برای اینکه به دانش‌آموزان نشان دهید که روی رشد تحصیلی آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اید و به آن اهمیت می‌دهید بسیار مهم است. دانش‌آموزان از اینکه بدانند با اشتیاق تدریس می‌کنید قدردانی می‌کنند.

2- محیط یادگیری مثبتی ایجاد کنید تا تدریس موثر باشد

حفظ رفتار درستانه در طول روز می‌تواند به ایجاد فضایی خوشایند کمک کند. معلمان موثر درک می‌دانند که جدای از حرفه آکادمیک‌شان، می‌توانند نقش مهمی در زندگی دانش‌آموز ایفا کنند. ارائه پشتیبانی در کلاس برای نیازهای اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان مانند تشویق کار گروهی و ارائه توصیه‌های مفید در خارج از زمان کلاسی می‌تواند بسیار مفید باشد.

حفظ رفتار دوستانه در طول روز می‌تواند به فضای کلاس شما برای همه دانش‌آموزان خوشایند کمک کند. معلمان موثر درک می‌کنند که می‌توانند نقش مهمی در زندگی دانش‌آموزان ایفا کنند، جدای از حرفه آکادمیک آن‌ها. ارائه پشتیبانی در کلاس برای نیازهای اجتماعی و عاطفی آن‌ها، مانند تشویق کار گروهی در طول فعالیت‌ها و ارائه توصیه‌های مفید در خارج از دوره‌های کلاس، ممکن است مفید باشد.

3- برقرار ارتباط با دانش‌آموز، عامل مهم در افزایش مهارت‌های تدریس موثر

توجه به زندگی و علایق دانش‌آموزان می‌تواند به شما در ایجاد روابط مثبت کمک کند. اگرچه حفظ مرز بین زندگی‌تان در خانه و محل کار مهم است، برخی از معلمان نیز علایق‌شان را با دانش‌آموزان به اشتراک می‌گذارند. سعی کنید به طور مکرر با خانواده دانش‌آموز ارتباط برقرار کنید تا اطلاعات بیشتری در مورد آن‌ها داشته باشید و بتوانید از زمان‌تان هنگام بحث در مورد پیشرفت‌شان نهایت استفاده را ببرید.

4- برنامه هفتگی ایجاد کنید

معلمان موفق برنامه‌های درسی‌شان را بهینه می‌کنند تا از زمان‌شان در کلاس درس به بهترین شکل استفاده کنند. آن‌ها اغلب برنامه‌های درسی‌ای را طراحی می‌کنند که شامل چندین مرحله یادگیری است، مانند کنفرانس در مورد مطالب و به دنبال آن تکالیف فردی یا کار کلاسی مبتنی بر گروه. فراهم کردن زمان کافی در طول روز مدرسه برای دانش‌آموزان برای تکمیل کار یا پایان دادن به یک فعالیت نیز مهم است.

5- داشتن زبانی ساده برای تدریس موثر

معلمانی که مسائل پیچیده را به روش‌های ساده توضیح می‌دهند، می‌توانند به دانش‌آموزان خود کمک کنند به طور موثرتری یاد بگیرند. آن‌ها از واسطه‌های متعددی برای انتقال مطالب درسی استفاده می‌کنند، از جمله نمودارها، نمایش‌های اسلایدی، اثبات تجربی یا فیلم‌های مکمل. هنگامی که آن‌ها پروژه‌ها را تعیین می‌کنند، گام‌های مشخصی را برای رسیدگی به هر گونه نگرانی بالقوه ارائه می‌دهند. استفاده از یک الگوی گفتار ثابت هنگام معرفی مفاهیم جدید به کلاس و تعیین اندازه فونت قابل خواندن در هر مطالب ممکن است مفید باشد. درواقع این یک نوع مهارت و از ویژگی‌های تدریس کارآمد است.

6- داشتن زبانی ساده برای تدریس موثر

7- انتظارات معقولی تعیین کنید

در زمینه مفهوم کارکرد و تدریس موثر، معلمان موثر استانداردهای‌شان را به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند و آن‌ها را در رویه‌هایشان به کار می‌گیرند. ممکن است آن‌ها استانداردهایی را برای رسیدگی بهتر به سبک‌های مختلف یادگیری تنظیم کنند و مطمئن شوند که هر دانش‌آموزی می‌تواند به اهداف‌اش دست پیدا کند. به عنوان مثال، اگر دانش‌آموزی مشکلش درارتباطه با نمره‌ای را با شما درمیان بگذارد، یک تکنیک آموزشی سازنده شامل گوش دادن به نگرانی‌های و تلاش برای رفع آن است.

8- خودتان را با شرایط مختلف وفق دهید

معلمانی که در طول رویدادهای غیرمنتظره با انعطاف بیشتر واکنش نشان می‌دهند، بهتر می‌توانند نیازهای دانش‌آموزان را برطرف کنند. برای مثال، ممکن است پیش‌بینی کنید که یک فعالیت می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا یک درس را بفهمند، اما متوجه شوند که فعالیت دیگری به طور موثرتری از فرآیند یادگیری آن‌ها پشتیبانی می‌کند. هر گونه فیدبکی را به سرعت بررسی کنید و در حین برنامه ریزی یک درس روزانه شرایط در حال تغییر را درنظر بگیرید. این مدل از تدریس، از بهترین روش تدریس و همچنین از ویژگی‌های تدریس موثر است.

9- از منابع به‌روز استفاده کنید

در بحث مهارتهای تدریس موثر، معلمان مؤثر برای ارتقای عملکرد تدریس‌شان، دانش خود را از منابع متعددی تکمیل می‌کنند. سعی کنید در مورد روش‌های آموزشی جدید به روز باشید تا بتوانید به بهترین شکل از دانش‌آموزان حمایت کنید. می‌توانید مقالات به‌روز را مرور کنید، کتاب بخوانید یا ویدیوهای آموزنده را تماشا کنید. همچنین ممکن است در زمینه آموزش موثر، بخواهید با سایر معلمان در یک انجمن آنلاین تعامل داشته باشید.

راهکارهایی برای تدریس بهتر و موثر برای معلمان

1- دانش‌آموزان خود را بیشتر بشناسید.

اینکه یك معلم مطالب درسی را کاملا بلد باشد برای تدریس کفایت نمی‌کند بلکه یك معلم بایستی شناخت خوبی از استعدادها و تجارب گذشته و نیز نیازهای کسانی را که می‌خواهد آموزش بدهد داشته باشد اولین نکته‌ای که باید گفته شود این است که موقعیت ما در حال حاضر چیست و قرار است به کجا برسیم توجه داشته باشیم که رسیدن به مقصد بایستی باتفاق دانش‌آموزان باشد.

2- زمانی که معلم یك محیط امن برای فراگیران فراهم نماید فراگیران قادر به انجام ریسك هستند.

اگر معلم یك فضای مناسب برای دانش‌آموزان ایجاد نماید استعدادها و قابلیت‌های دانش‌آموزان شکوفا می‌گردد. بنابراین نگاه تحقیرآمیز به پاسخ‌های غلط نیز از سوی معلم عواقب بدی را بدنبال دارد زیرا قدرت بیان موضوعات و دیدگاه‌های آنان را کاهش می‌دهد لذا بایستی به تمامی عکس‌العمل‌ها اعم از درست یا غلط با نگاه احترام برخورد شود. اگر این فضا فراهم شود قدرت ریسك‌پذیری دانش‌آموزان افزایش و استعدادهای آنان شکوفا می‌گردد.

3- مدرسان بزرگ هم اشتیاق و هم هدف‌داری را به دانش‌آموزان انتقال می‌دهند.

اختلاف بین مدرس خوب و یك مدرس عالی، تخصص آنان نیست بلکه مربوط به اشتیاق و علاقه آنان است و این اشتیاق مسری است. اگر معلم دارای علاقه و اشتیاق باشد دانش‌آموزان نیز اشتیاق و علاقه نشان می‌دهند. لذا یك فضای مناسب برای کار و فعالیت مشترك ایجاد می‌گردد.

4- زمانی که معلم مشخص کند دانش‌آموزان چه چیزهایی را بایستی یاد بگیرند آنها بهتر فرا می‌گیرند.

زمانی که مدرس موقعیت کنونی و مقصد را دقیقا برای فراگیران تشریح نماید، توان یادگیری آنان افزایش می یابد، لذا در شروع هر مبحث بهتر است اهداف و نکات مهم ذکر شود. هم چنین بایستی یادآوری شود که فهم چه میزان از مطالب پراهمیت و ضروری است. این شیوه توانایی دانش‌آموزان را در یادگیری افزایش می‌دهد.

5- مطالب را واضح و روشن بیان نمایید، اگر چه نمی‌توانید آنها را ساده کنید.

یکی از خصوصیات معلمان قوی، توانایی آنان در شکستن مسائل پیچیده و ساده‌سازی و قابل فهم نمودن مسائل است. بنابراین اگر یك مطلب پیچیده را نمی‌توانید کاملا ساده نمایید، آنرا به وضوح برای دانش‌آموزان شرح دهید.

6- بدون فدا کردن اعتماد پذیری، آسیب‌پذیری را تمرین کنید.

از نظر برخی از مردم، معلم یا رهبر بودن به معنی دانستن همه پاسخهاست. بعضی اوقات (نمی‌دانم) بهترین پاسخ یك معلم است. به جای از دست دادن اعتبار، معلم اعتماد دانش‌آموزان را جلب می‌نماید و این اعتماد اساس یك رابطه مولد است. همگی ما می‌دانیم که کامل بودن یك نقاب است، بنابراین به افراد پشت نقاب (همه فن حریف) اعتماد نمی‌کنیم زیرا آنها با ما صادق نبوده‌اند. پذیرفتن چیزهایی که نمی دانید نشان می‌دهد که شما هنوز در حال یادگیری هستید به این معنی که خود معلم هنوز فراگیر است.

7- از اعماق وجودتان آموزش دهید.

بهترین روش تدریس روش فرموله شده نیست، بلکه این می‌تواند یك امر مشخص باشد. افراد مختلف یك داستان را به شیوه‌های مختلف تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر ما همانطور که خودمان هستیم آموزش می‌دهیم. اگر ما کاملا خودمان را نشناسیم، نمی‌توانیم کاملا دانش‌آموزانمان را بشناسیم، بنابراین نمی‌توانیم با آنها ارتباط برقرار نماییم.

8- نکات مهم را تکرار کنید.

اگر می‌خواهید دانش‌آموزان يك مطلب اساسی را همیشه به خاطر داشته باشند، آن را بیش از يك بار تکرار نمایید. وقتی مطلبی را برای اولین بار ذکر می‌نمایید آن مطلب تنها شنیده می شود بار دوم تکرار مطلب شناخته می‌شود و بار سوم مطلب آموخته می‌شود . اما تکرار موضوع باید به شیوه‌ای باشد که سبب خستگی دانش‌آموزان نشود و يك معلم باتجربه يك مطلب مهم را در عین حال که چندین بار تکرار می‌نماید اما هر بار به شیوه‌ای مطلب را بیان می‌کند که برای شنونده جذاب باشد.

9- شما خودتان اطلاعات را ارائه نمی‌دهید.

شما به دانش‌آموزان چگونه فکر کردن را آموزش می‌دهید. آخرین چیزی را که می‌خواهید انجام دهید این است که روبروی آنها بایستید و به آنان بگویید که چه کار انجام دهند. بهترین معلمان آنهایی هستند که به پاسخهایی که فکری پشت سر آن نیست کمتر علاقه نشان می‌دهند، به عبارت دیگر این معلمان به دانش‌آموزان یاد می‌دهند که چطور فکر کنند نه اینکه چه فکری بکنند.

10- معلمان خوب، سئوالات خوب می‌پرسند.

معلمان قوی و موثر این مطلب را بخوبی می‌دانند که یادگیری جستجوی ندانسته‌ها یا نشناخته‌هاست و بهترین روش برای درك و جستجوی ندانسته‌ها، سئوال است. طبیعتا این سئوالات به صورت ساده‌ای که پاسخ آنها آری یا خیر باشد نیستند، بلکه سئوالاتی مد نظر می‌باشد که دروازه‌ای را به سوی درك عمیق‌تر موضوع می‌گشاید. برای مثال : این دستگاه چگونه کار می‌کند؟

11- صحبت کردن را قطع کنید و گوش دادن را آغاز نمایید.

یکی از روشهای موفق در تدریس این است که شما نیز به صحبت‌های دانش‌آموزان با دقت گوش فرا دهید. توجه داشته باشید که یادگیری موثر مانند يك خیابان دوطرفه است، به عبارت دیگر (گفتگوی دوطرفه) است نه (بحث دوطرفه).

12- بیاموزید به چه چیزی باید گوش دهید.

به منظور جلوگیری از مباحث انحرافی که ممکن است سبب اتلاف وقت شود با افکار خود به دانش‌آموزان نشان دهید که به کدام يك از مباحث طرح شده آنها علاقه‌مندید و به چه مسائلی علاقه ندارید.

13- به دانش‌آموزان اجازه دهید همدیگر را آموزش دهند. افراد مانند قطعات و اجزای اطلاعات و دانش هستند، به همین دلیل این امر هر شخص را گاه تبدیل به معلم و گاهی آموزنده می‌نماید.

14- از روشهای مشابه و یکسان برای تمامی افراد استفاده نکنید.

معلمین بزرگ اعتقاد دارند که هر دانش‌آموز می‌تواند یاد بگیرد، اما شیوه‌های یادگیری متفاوت هستند. برخی از آنها بصری، برخی سمعی و برخی خلاصه و چکیده را دوست دارند و برخی با خواندن، خوب یاد می‌گیرند. بنابراین معلم باید شیوه چند بعدی را برگزیند. اتخاذ يك روش ثابت برای تدریس به هیچ وجه موفقیت‌آمیز نیست، زیرا ممکن است يك روش که برای تعدادی از دانش‌آموزان مفید واقع می‌شود به نیازهای دیگران پاسخ ندهد.

15- هیچگاه آموزش را متوقف نکنید.

آموزش موثر در حقیقت کیفیت ارتباط بین معلم و دانش‌آموز است. این ارتباط با پایان کلاس تمام نمی‌شود، لذا بیشتر از آنچه که دانش‌آموزان تلاش کنند که اطلاعات درسی را فرا گیرند، شما تلاش نمایید که اطلاعات را به آنان انتقال دهید.

16- تعادل در آموزش را رعایت کنید.

آموزش‌ها لازم است به بهترین و مؤثرترین شیوه ارائه شود تا دانش‌آموزان بیشترین بهره را از آن بگیرند. از سوی دیگر آموزش‌ها، به

توجه داشته باشید شما تنها کسی نیستید که قرار است دانش‌آموزان از شما مطالب را یاد بگیرند. آنها می‌توانند هم از خودشان و هم از همشاگردی‌های خود مطالب را بیاموزند. بنابراین یادگیری مانند رئوس يك مثلث است که تنها یکی از آنها شما هستید. اعتقاد به این است که ویژه تکالیفی که به آنها ارائه می‌شود باید در حدی باشد که علاوه بر آن که دانش‌آموز به

هدف نهایی خود یعنی فراگیری بهتر و موفقیت بیشتر دست یابد، امکان رشد ابعاد دیگر شخصیت او را نیز فراهم کند. به این معنی که اگر ذهن دانش‌آموزان تنها به سوی آموزش، بدون پرورش و تفریح متمرکز شود، او به فردی فرسوده، خسته، عصبی، گوشه‌گیر و یك بعدی تبدیل شده و آن‌طور که باید، شکوفا نخواهد شد.

17- به تغییرات حساس باشیم.

معلم نخستین شخصی است که از تغییرات، چه مثبت و چه منفی مطلع می‌شود. به عقیده روانشناسان به هر میزان معلم ارتباط صمیمانه‌تری با دانش‌آموزان داشته باشد، به همان میزان شناسایی ضعف‌ها و قوت‌ها آسان‌تر و سریع‌تر خواهد بود. تمرکز دقیق معلم بر روی رفتار دانش‌آموزان حین تدریس نخستین گام برای شناسایی وضعیت دانش‌آموزان است. حرکت‌های نابه‌جا، حواس‌پرتی، خستگی ، عصبانیت و بی‌تفاوتی، شیطنت و بی‌نظمی و ... همگی رفتارهایی است که در زمان تدریس معلم به خوبی نمایان می‌شود. توجه به اینگونه تغییرات به راحتی معلم را برای شناسایی و حل مسائل و مشکلات دانش‌آموز راهنمایی می‌کند.

18-نگه داشتن دانش‌آموز در فضای یادگیری

معلمان باید موقعیت‌هایی را در کلاس به وجود آورند که باعث حفظ و نگهداری (holding power) دانش‌آموزان در فضای یادگیری شود. چنین موقعیت‌هایی این امکان را فراهم می‌سازند که دانش‌آموزان به طور پیوسته در فرآیند یادگیری مشارکت داشته باشند و این مشارکت تداوم یابد. به عبارت دیگر، این موقعیت‌ها، قدرت نگه‌داری و حفظ توجه و مشارکت دانش‌آموزان را از مزاحمت ها و عوامل پرت‌کننده حواس حفظ می‌کنند.

19- رفتارهای کلاسی معلمان

به عقیده بسیاری از پژوهشگران آموزشی، همبستگی معناداری بین بعضی از رفتارهای معلمان و پیشرفت تحصیلی شاگردان وجود دارد. دکتر سیف به نقل از (Furst & Rasenshine)، هشت متغیر آموزشی یا رفتار کلاسی معلمان را که با یادگیری شاگردان رابطه و همبستگی معنی‌داری دارد معرفی کرده‌اند.

این متغیرها عبارتند از :

- روشنی توضیحات معلم در کلاس.
- انعطاف پذیری در روش آموزش.
- اشتیاق در کار، شامل تحرك در کلاس، حرکات سر و دست و نوسان صدا.
- احساس مسئولیت در عمل، شامل تاکید بر یادگیری و فعالیت شاگردان.
- فرصت یادگیری به شاگردان برای یادگیری مطالب تا سر حد تسلط.
- بکارگیری عقاید شاگردان، شامل تشویق به اظهار نظر و تایید نظریات آنها.
- استفاده از مطالب سازمان دهنده شامل مرور کردن مطالب و ایجاد ارتباط مطالب درسی با یکدیگر.
- طرح سوالهای دارای سطوح مختلف، از جمله سوالهایی که با چه، کجا و چگونه شروع می‌شود.

نتیجه گیری

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که گذار از الگوهای آموزشی سنتی به سوی راهبردهای تدریس فعال، نه یک تغییر ساده در متدهای تدریس، بلکه یک انقلاب در فلسفه یادگیری است. ارتقای کیفیت یادگیری در دوره ابتدایی، زمانی رخ می‌دهد که ما بپذیریم کودک نه یک ظرف خالی برای پذیرش اطلاعات، بلکه یک کاشف فعال است که با تعامل با محیط، دانش را می‌سازد. تدریس فعال با گسستن زنجیرهای انفعال در کلاس درس، به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهد تا لذتِ «کشف کردن» را تجربه کنند؛ لذتی که موتور محرک رشد ذهنی و عاطفی آن‌هاست. زمانی که یادگیری با تجربه گره می‌خورد و اشتباهات به عنوان پله‌های صعود به سوی درک عمیق‌تر نگریسته می‌شوند، کیفیت یادگیری از سطح «حفظیات» به سطح

«شهود و تحلیل» ارتقا می‌یابد و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که آموزش، معنای واقعی خود را پیدا می‌کند. بنابراین، تأثیر راهبردهای فعال در مقطع ابتدایی، فراتر از کسب نمرات بالاتر است؛ این رویکرد در واقع در حال بازسازی شخصیت فکری کودک است. ما با این روش‌ها، بذرهای کنجکاوی، جسارت در تفکر و توانایی همکاری را در خاک ذهن کودکان می‌کاریم تا آن‌ها در آینده به افرادی تبدیل شوند که نه تنها در برابر تغییرات جهان منعطف هستند، بلکه خود موتورهای محرک تغییر و نوآوری خواهند بود. در واقع، موفقیت یک معلم در عصر حاضر، نه در این است که دانش‌آموزانش چه مقدار از کتاب را حفظ کرده‌اند، بلکه در این است که آن‌ها را تا چه اندازه مشتاق پرسیدن و جست‌وجو کرده است.

در نهایت، باید به این حقیقت پذیرفت که آموزش در دوران کودکی، فرصتی برای روشن کردن مشعلی است که اگر با روش‌های فعال و پویا برافروخته شود، تا پایان عمر با کودک همراه خواهد بود. تدریس فعال، پلی است میان دنیای بی‌کران تخیلات کودکی و دنیای منظم علم؛ پلی که اجازه می‌دهد کودک بدون آنکه روحیه جست‌وجوگرش را در راه نظم آموزشی از دست بدهد، وارد دنیای دانش شود. هدف غایی این تحول، رسیدن به محیطی است که در آن هر دانش‌آموز احساس کند یادگیری، نه یک تکلیف دشوار و اجباری، بلکه یک ماجراجویی شیرین و پایان‌ناپذیر است و مدرسه، نه یک مکان برای دریافت پاسخ‌ها، بلکه محیطی برای طرح پرسش‌های جسورانه باشد.

تدریس موثر یکی از شاخص های آموزش وپرورش پویا می باشد. که معلمان برای ایجاد یک تدریس موثر ازراه وروش های خاصی استفاده کرده وبا توجه به موضوعات درسی از آنها بهره می جویند و معلمانی موفق هستند که به شاگردان خود مطالب شناختی و اجتماعی را به خوبی عرضه می دارند ونحوه ی به کارگیری موثر از آن ها را می آموزند. و با آمادگی از نظر جسمی، روحی روانی، علمی وارد کلاس می شوند وبرای تدریس از طرح درس استفاده کرده و از دانش آموزان درفرایندیادگیری کمک گرفته و ، نظارت مداوم برکلاس و تسلط برمطالب تدریس دارد.مدیریت شایسته ای درکلاس داشته وبانظم می باشند وبا خوشرویی با شاگردان برخورد می کنند و دانش آموزان رابه طور انفرادی می شناسد و به شخصیت آنان احترام می گذارند که بارعایت تمام این موارد است که می توان از یک تدریس خوب وموثر بهره جست.

درنهایت باید گفت که بهبود تعلیم وتربیت درهر کشوری مبتنی برکیفیت تدریس معلم واستوار نمودن نقش معلم به عنوان مدیر آموزش درکلاس درس است پس لازم است برنامه های محتلف آموزشی وکلاس های ضمن خدمت جهت آموزش تدریس فعال و برتر برای معلمان از طرف مسئولین امر تدبیر شود. تا معلمانی توانمند و حرفه ای در امر تدریس داشته باشیم.

منابع :

اکرمی،سید کاظم (1380)« فرهنگ اسلامی ، برنامه درسی وتفکر » تهران ، چاپ اول، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان .

براون، جرج، تدریس خود(تمرین مهارت های تدریس درمقیاس های کوچک) ، علمی رووف (مترجم) .(1376) وزارت آموزش وپرورش سازمان پژوهش وبرنامه ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه . تهران.

بهارستان، جلیل،(1378)، برنامه کارورزی یاتدریس عملی درمرکز تربیت معلم،تهران دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

بهرنگی، محمدرضا (1371) مدیریت آموزشی وآموز شگاهی، چاپ اشکان، ناشر: مولف.

سجادی ، اسکندر (1376) « هدف از تدریس چیست» مقاله زیر چاپ دانشکده روان شناسی وعلوم تربیتی دانشگاه تبریز.

رضایی موسی(1386)«مدارس پیشرو کارآمد» تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

صفوی زاده ،نسرین، اقا حسینی ، تقی ،(1386) «شیوه های مدیریت کلاس و مهارت های ارتباط با دانش آموز » قزوین انتشارات حدیث امروز.

کریمیان،حسین، جعفریان یسار ، حمید،(1385)« راهبردهای تدریس وفنون معلمی » قم چاپ اول چاپ: قدس

کلهر منوچهر 1386« فرایند تدریس ویادگیری موثر » قزوین ، مرکز تربیت معلم شهید رجایی قزوین انتشارات حدیث امروز

گیج،وال،ان. مبانی علمی هنر تدریس. محمود مهر محمدی(مترجم)1376، تهران. وزارت اموزش وپرورش، سازمان پژوهش وبرنامه ریزی آموزشی. انتشارات مدرسه.

محمودی عبدالرحمان 1377« تأثیر پیش سازمان دهنده بریادگیری درتدریس روان شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی وعلوم تربیتی دانشگاه تبریز.

مرتضوی زاده، حشمت اله(1386)« مدیریت کلاس درس موثر ، موانع روش ها وراهکارها قزوین ، مرکز تربیت معلم شهید رجایی قزوین، انتشارات حدیث امروز

مرتضوی زاده، سید حشمت اله (1382)، خانواده وافت تحصیلی ، نشریه ، نشریه پیوند: تهران : سازمان مرکزی انجمن اولیاء مربیان.

میرزابیگی علی (1384) «برنامه ریزی درسی وطرح درس در آموزش رسمی وتربیت نیروی انسانی »تهران انتشارات یسطرون

میرصدوقی سید حسن(1386) بررسی نقش خود موثری معلمان و جوروانی- اجتماعی کلاسی در مدیریت فرایند یاددهی یادگیری» قزوین(1373)فرایند تدریس تهران : تربیت

نیکنامی ، مصطفی (1377) مقایسه ویژگی های معلمان خوب وموثر » فصلنامه روان شناسی وعلوم تربیتی شماره 7و8 تهران : دانشگاه علامه طباطبایی.

شعاری نژاد ، علی اکبر (۱۳۸۷) : روانشناسی تربیت و تدریس ، اطلاعات : تهران .

صفوی ، امان الله (۱۳۶۲) : درس معلمی ، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی .تهران .

پاشا شریفی ، حسن (۱۳۶۳) : شیوه های ارزشیابی از آموخته های دانش آموزان ، دفتر برنامه ریزی و تألیف کُتب درسی : تهران .

پورعلیرضاتوتکله ، علی (۱۳۹۱) : مجموعه مقالات تربیتی ، چاپ دوم ، دهسرا :رشت .

پورعلیرضاتوتکله ، علی (۱۳۹۱) : مهارتهای حرفه ای معلم ، دهسرا : رشت .

پورعلیرضاتوتکله ، علی (۱۳۹۳) : پیش دبستان و کودک پیش دبستانی ، دهسرا :رشت .

پورعلیرضاتوتکله ، علی (۱۳۸۷) : « آموزش در چارچوب روانشناسی » ، مجله رشد تکنولوژی آموزشی ، شماره پی در پی ۱۹۷ ، ص ۳۲-۳۴ .